مقدمه

این دوره آموزشی بر خلاف دیگر اردوها یک مانور است و تمام اتفاقات در اردو کلاس درس می باشد.

در این دوره آموزشی ما دو نوع کلاس درس درایم یک نوع کلاس درس که با حضور استاد برگزار می شود و یک نوع کلاس درس دیگر که بین استاد و شاگرد مشترک است.

ما هم زمان در دو نقش در دوره آموزشی فعالیت می کنیم یک نقش استاد و یک نقش شاگرد. مواد درسی هم اتفاقات و برنامه های اردویی است و در پایان خودمان به خودمان نمره می دهیم که این همان سیستم مراقبه، محاسبه و مشراطه اخلاقی است.

در مراقبه باید توجه داشته باشیم که در کلاس درس هستیم و در محاسبه باید درس ها را فراگفته و جمع بندی کنیم ودر مشارطه به خودمان نمره دهیم.

در این دوره آموزشی برخلاف دیگر اردوها ما 24 ساعته در کلاس درس هستیم پس به برخی از اموری که می بایست در دوره آموزشی به آن توجه کرد تذکر داده می شود.

سلام کردن

یکی از شیوه هایی که سبب می شود بین افراد حاضر در اردو صمیمت ایجاد شود سلام کردن است.

امام صادق عليه السلام مى‏فرمايد:

«مِنَ التَّواضُعِ انْت ُسَلِّمَ عَلی مَنْ لَقيتَ[[1]](#footnote-1)»

ازنشانه‏هاى تواضع اين است كه هر كس را كه ملاقات كردى، به او سلام كنى.

امام صادق عليه السلام مى‏فرمايد:

«يُسَلِّمُ الصَّغيرُ عَلَى الْكَبيرِ وَ الْمارُّ عَلَى الْقاعِدِ وَ الْقَليلُ عَلَى ‏الْكَثيرِ[[2]](#footnote-2)»

كوچك به بزرگ سلام كند و رهگذر به نشسته و گروه اندك به گروه بسيار، سلام كند.

یکی از خصوصیات اردو این است که ما در مدتی کوتاه زندگی گروهی را با افراد جدیدی تجربه می­کنیم. روحانی، مربی­ها، مسئولین اردو، کادر اجرایی، دوستان جدید، باغبان، آشپز، خدمه و مهمانها کسانی هستند که در چند روز زندگی اردویی با آنها مواجه میشویم، سلام کردن به تمامی این افراد یکی از بهترین روشها برای رسیدن به صفت تواضع و ادب است که فضای اردو را با درود خداوند عطر آگین میکند.

بزرگترها باید در این تمرین بر کوچک ترها سبقت بگیرند و منتظر اینکه آنها به ایشان سلام کنند نمانند.

سلام به معنی درود فرستادن خداوند بر شخص مورد سلام است به همین دلیل ما حق نداریم بر هر کسی سلام کنیم کفار و منافقین از کسانی هستند که سلام کردن به آنها جایز نیست.

تذکر:

✓ هنگامی که به دیگران سلام می کنیم باید توجه داشته باشیم نباید با افراد غریبه صمیمی شد و اگر ما به کسی از افراد غیر مسئول در اردو( مانند باغبان یا فیلم بردار و...) سلام کردیم و او قصد صمیمی شدن با ما را داشت باید از او فاصله بگیریم و با او به سردی برخورد نماییم.

✓ هنگام سلام کردن باید بلند سلام کرد و هنگام جواب سلام دادن نیز باید بلند جواب سلام دیگران را بدهیم.

✓ خسته نباشید، حالتون چطوره و... هیچکدام به معنی سلام نیستند. پس اول سلام می‌کنیم بعد احوال پرسی.

✓ در جواب سلام واجب است که سلام کنیم اگر واژه یا عبارت دیگری مانند خسته نباشید به کار ببریم کفایت نمیکند و ما واجب خود را ترک کردیم.

✓ در سلام کردن نباید چاپلوسی کنیم.

✓ نباید این عمل را به به تمسخر گرفت و یا با نحوه سلام کردن آن را سبک شمرد.

زیبا سخن گفتن و احوال پرسی کردن

در اردو و جمع دوستان می بایست از سخنان زشت و رکیک دوری کرد. این تخیل که اگر بخواهیم با کسی صمیمی شویم باید کنار او هر شوخی را مرتکب شویم و یا هر گونه سخن بگوییم تصور بسیار اشتباهی است چه بسا شوخی و سخنی که تاوان آن بسیار سنگین باشد و منجر به جدایی شود.

اگر در جمع دوستانه هستیم و کسی شوخی ناشایستی کرد نباید به او بخندیم و با خنده خود عمل زشتش را تایید کنیم، حتی اگر ما را بی ظرفیت بدانند نباید.

باید به او تذکر دهیم که اینگونه سخن گفتن به شخصیتش ضربه خواهد زد.

شوخ طبعی

شوخ طبعی مورد سفارش دین اسلام است و اخمو بودن و سنگین برخورد کردن در همه جا پسندیده نیست مخصوصا در اردو، در روایت می فرماید:

امام باقر عليه السلام، كسى را كه در حضور جمعى مزاح كند، به شرط آنكه به خاطر آن شوخى مرتكب لغزشى نشود، محبوب خداى متعال دانسته، و مى‏فرمايد:

«انّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُداعِبَ فِى الْجَماعَةِ بِلا رَفَثٍ[[3]](#footnote-3)».

رسول مکرم اسلام نیز اهل مزاح و شوخی سالم بودند، براى مثال روزى پيامبر صلى الله عليه و آله و حضرت امير عليه السلام خرما مى‏خوردند. هر خرما كه پيامبر صلى الله عليه و آله مى‏خورد، دانه ‏اش را نزد حضرت امير عليه السلام مى‏نهاد. وقتى خرماها تمام شد، همه دانه‏ها نزد ايشان بود در اين هنگام پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه دانه او بيش‏تر است، پرخوراست. حضرت امير عليه السلام نيز پاسخ داد: هركه خرما را با دانه خورده، پرخوراست. پيامبر صلى الله عليه و آله خنديد و هديه‏اى به ايشان داد[[4]](#footnote-4).

در روایت داریم که خداوندكسى راكه در ميان جمع بدون ناسزاگويى مزاح كند، دوست مى‏دارد.

پيامبر بزرگوار اسلام صلى الله عليه و آله، با اين كه خود، شاخص‏ ترين الگوى فضائل

اخلاقى بود، گاه و بى‏گاه با بعضى افراد، شوخى‏هاى زيبا

و نمكين مى‏كرد، ليكن، پا را از چارچوب حقّ بيرون نمى‏نهاد و در شوخى‏هايش جز شاد

كردن دل‏هاى مردم و زدودن غبار غم و اندوه از سيماى آنان، هدف ديگرى راتعقيب

نمى‏كرد؛ او خود دراين باره مى‏فرمود:

«انّى ‏لَأَمْزَحُوَ لاأَقُولُ إِلَّا حَقّاً[[5]](#footnote-5)»

همانا من شوخى مى‏كنم، ولى چيزى جز حق نمى‏گويم.

البته باید توجه داشت که در شوخی و مزاح باید رعایت زمان و مکان و مجلس بشود چرا که در برخی از مجالس جای شوخی و مزاح نیست و در این موارد روایت می فرماید:

«مَنْ كَثُرَ مِزاحُهُا سْتُحْمِقَ[[6]](#footnote-6) ، مَنْ كَثُرَ مِزاحُهُا سْتُجْهِلَ[[7]](#footnote-7)، مَنْ كَثُرَ مِزاحُهُا سْتُرْذِلَ[[8]](#footnote-8)»

هركس شوخى او بسيار شود، احمق، نادان و فرومايه مى‏شود.

مزاح بايد براى شادكردن ديگران صورت گيرد.

بنابراين، اگر با شوخى ‏كردن موجب رنجش ديگران شوی، ممنوع و نكوهيده است و چه بسا موجب كينه‏توزى و بروز دشمنى بين دوستان گردد. در اين باره نيز امام على عليه السلام فرمود:

«لِكُلِّ شَىْ‏ءٍ بَذْرٌ وَ بَذْرُ الْعَداوَةِ الْمِزاحُ[[9]](#footnote-9)» براى هر چيز بذرى است و بذر دشمنى، مزاح است.

 نظم

برخی گمان می‌کنند اردو فقط جایی برای خوشگذرانی است و اگر در اردو کار عبادی و یا . آموزشی انجام شود کاری برخلاف قاعده است در حالی که  
 امام کاظــم علیه السلام می فرماید:

«بكوشيد كه وقت خود را چهار قسمت كنيد:

بخشى براى مناجات باخدا، بخش ديگر براى امرار معاش، بخش سوم براى معاشرت با برادران و معتمدانى كه عيوب‏تان را به شما مى‏گويند و در دل به شما اخلاص مى‏ورزند و بخش چهارم براى لذّت‏ها وكام‏جويى‏هاى مشروع؛ تا براى سه بخش ديگر نيرو بگيريد[[10]](#footnote-10)»

زندگی اردویی جایی برای تمرین منظم زندگی کردن است همگی صبح زود از خواب بر می خیزیم بعد از صبحگاه برای میل کردن صبحانه می رویم و بعد با وضو راهی کلاسهای علمی، مهارتی و معارف می شویم و... همه اینها برای این است که ما نظم را در یک زندگی چند روزه باهم تجربه کنیم و به توانیم به حقوق جمع احترام بگذاریم.

نظم در اردو بر دو نوع است.

نظمی که مسئولین اردو و دیگران برای ما مشخص می کنند مانند به موقع حاضر شدن سر کلاس و برنامه ها و...

نظمی که خودمان باید برای خودمان تعریف کنیم مثل مسواک زدن، به موقع خوابیدن، مرتب کردن اتاق و لباس ها و...

تذکرات

اگر در اردو بی نظمی ایجاد شد، سبب بی نظمی ما نمی شود بلکه باید تلاش کنیم جلوی بی نظمی هر چه سریع تر گرفته شود نه اینکه با بی نظمی جدید و فردی بر شدت بحران بیفزاییم.

بی نظمی های موجود در اردو را به مسئولین گوشزد کنیم و برای حل آن اعلام همکاری نماییم.

به دوستان بی نظم خود تذکر دهیم و برای بی نظمی آنها فضا ایجاد نکنیم.

منظم بودن یک مهارت است که با تمرین کردن آن را در خود نهادینه می کنیم.

رازداری

در اردو ما دوستان جدیدی پیدا میکنیم و گاهی اوقات دوستان رازهای دل خود را برای یکدیگر بیان میکنند دوست خوب آن دوستی است که راز دوست خود را گرچه یک مسأله بسیار کوچک باشد، حفظ کند و به دیگران اطلاع ندهد.

اردو یک خانواده بزرگتر است، همان گونه که اگر در خانه اتفاقی افتاد، دیگران را برای دانستن آن واقعه محرم نمی دانیم؛ در اردو نیز باید به این امور توجه داشته باشیم. اگر برخی از ناملایمات در اردو رخ داد ما نباید آن را به کسانی که خارج از اردو هستند خبر دهیم بلکه باید با کمک مسئولین آن را حل نماییم.

یکی دیگر از جاهایی که رازداری در آن لازم است حادثهای است که در گوشه ای از اردوگاه رخ داده است و ما از آن مطلع هستیم، در این موارد ما نباید با اطلاع دادن به کسانی که مسئولیت ندارند به شایعه ها دامن بزنیم و سبب تشدید بحران شویم.

رازداری در همه جا ممدوح نیست همان گونه که اگر در زندگی خانوادگی حادثهای در خانه رخ داد حتما باید به بزرگترها اطلاع دهیم و ترس از دعوا و نارحتی آنها نباید سبب شود که ما حادثه را از آنها پنهان کنیم در اردو نیز همین گونه است. حادثه هایی که خدایی نکرده در اردو رخ میدهد باید سریعا به اطلاع مسئولین اردو برسانیم.

از اینکه دوستانمان این کار را مذمت نمایند و در عرف خود اسم هایی برای این کار بگذارند(مثل آنتن) نهراسیم، چرا که کاری که ما میکنیم سبب می شود جلوی بحران هر چه سریعتر گرفته شود و از تشدید آن جلوگیری کنیم. این کار به یک رفتار عاقلانه نزدیکتر است تا وقتی که ما به تخیل خود رازداری می کنیم و حادثه را از مسئولین پنهان می نماییم.

جالب است بدانید برخی از کسانی که در این گونه موارد رازداری میکنند، در جایی که باید رازداری نمایند، سر دیگران و مجموعه را فاش می نمایند و به این کار افتخار نیز می نمایند.

اميرمؤمنان عليه السلام فرموده است: پيروزى به محكم‏كارى بسته است و آن هم بستگى به (سلامت) انديشه دارد و (سلامت) انديشه به نگه‏دارى رازها است[[11]](#footnote-11).

باید توجه که داشت نگهداری رازهای شخصی از دوستمان بهتر از اظهار آن است چرا که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«لا تُطْلِعْ صَديقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلى ما لَوِاطَّلَعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ ‏يَضُرَّكَ فَأِنَّالصَّديقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوَّكَ يَوْماًما[[12]](#footnote-12)»

دوستت را بر آن مقدار از اسرارت آگاه ساز كه اگر دشمنت هم آنرا بداند به تو زيان نرساند، شايد دوستت نيز روزى دشمن توگردد.

آسیب های اخلاقی اجتماعی درتعامل با دیگران

برخی صفت های پلید وقتی بروز می یابند که ما با دیگران در تعامل باشیم. کسی که غالبا تنها است ممکن است کمتر دچار خشم و غضب شود. اما وقتی که با دیگران تعامل می کنیم به بخشی از ضعف های خود پی می بریم. در این قسمت به برخی از این ضعف ها اشاره شده است.

خشم

امیر المؤمنین عليه السلام می فرماید:

«كُنْ بَطيى‏ءَ الْغَضَبِ، سَريعَ الْفَيْى‏ءِ، مُحِبّ اًلِقَبُولِ الْعُذْرِ[[13]](#footnote-13)»

دير به خشم بیا و زود خشم خود را فروببر و به پذيرش پوزش دیگران علاقمند باش.

امام صادق عليه السلام می فرماید: «الْغَضَبُ مِفْتاحُ كُلِّ شَرِّ[[14]](#footnote-14)»خشم كليد هربدى است.

یکی از جاهایی که خشم به راحتی نمایان می شود هنگام بازیهای گروهی است که می بایست برای خویشتنداری را به وسیله سکوت تمرین نمود چرا که سكوت و آرامش در پيش‏گيرى ازخشم مؤثّر است.

امیرالمؤمنین عليه السلام میفرماید:

«وَ داوُوا الْغَضَبَ بِالصَّمْتِ[[15]](#footnote-15)»خشم را با سكوت درمان كنيد.

ترک کردن صحنه درگیری و حادثه نیز در کنترل حادثه مؤثر است. چنانچه در روایت است که هرگاه در حال ايستاده خشمگين شدید زود بنشيند، با اينكار، وسوسه شيطان از بين مى‏رود و نيز اگر نشسته است، زود برخيزد.

عفو و گذشت

شیرینی که در عفو و گذشت از خطاء دیگران است هیچ گاه در انتقام از دیگران نیست.

اگرقرارباشد همه خطاكاران با هر وضعيّتى كه دارند مجازات شوند وهر كس بخواهد آزار و اذيّت ديگرى را تلافى كند و دير يا زود از او انتقام بگيرد، چه پيش خواهد آمد؟؟

نقل شده روزى ابو هريره نزد امام على عليه السلام آمد و سخنان ناروايى درباره آن حضرت گفت. فرداى آن روز شرف‏ياب شد و خواسته‏هايى را خدمت حضرت مطرح كرد. حضرت على عليه السلام همه آن‏ها را برآورده ساخت.

اين كار امام، بر برخى از اصحاب گران آمد و موجب اعتراض آنان شد.

آن حضرت به ايشان فرمود: «إِنى لَأَسْتَحْيى أَنْ يَغْلِبَ جَهْلُهُ عِلْمى وَ ذَنْبُهُ عَفْوى ‏وَ مَسْأَلَتُهُ جُودى[[16]](#footnote-16)‏»

من ‏از اين كه نادانى ‏او بر علم من، گناه او بر عفو من و درخواست او بر بخشايشم چيره شود، شرم مى‏كنم. یعنی او نادانی کرد اما علم من از نادانی او بیشتر بود پس من جواب نادانی او را با علم و عفو خود دادم و...

اگر جرم و تجاوز نسبت به حقوق شخصى باشد و زيان ناشى از خطا و لغزش، متوجّه فرد يا گروه محدودى شود، در اين صورت بايد با ديد عفو و گذشت، که موجب پشيمانى و اصلاح فرد خاطى مى‏شود رفتار نمود. امّا اگر به اين نتيجه برسند كه عفو مجرم، او را گستاخ‏تر مى‏سازد و گذشت بزرگوارانه آنان را حمل بر ضعف يا ترس مى‏كند، او را به خاطر جرمش تحت تعقيب قانونى قرار مى‏دهند تا به كيفر عمل خود برسد.

پس اگر خطاء فرد خاطی عمدی بود و زیان آن به افراد زیادی رسید و او نیز از خطاء خود پشیمان نشد دیگر جای عفو گذشت نیست.

حسادت

حسادت بیشتر در جایی جلوه گر می شه که دیگران از امکاناتی بهره مند هستند که من از آن بی بهره هستم.

این امکانات ممکن است مادی یا غیر مادی باشد.

مادی مانند بهرمند بودن از ثروت و کالاهای لوکس، بهره مند بودن از ظاهری زیبا یا روابط عمومی خوب و غیر مادی مانند بهره مند بودن از استعداد و یا مهارتی خاص و...

حسادت وقتی در درون ما اوج می گیرد که من نعمت ها را در دست دیگران می بینم و خود را از آن ها بی بهره می دانم در نتیجه به خود خوری و تخریب طرف مقابل می پردازم در حالی که داشتن نعمت ها ملاک نیست بلکه ملاک، رابطه ای است که شخص مالک با نعمت ها برقرار می کند که به آن سعی گویند.

یعنی او با داشتن این نعمت چه کرده؟

آیا از نعمت ها به عنوان یه ابزار برای هوای نفس خود استفاده کرده و یا نعمت ها را به کار انداخته و از آن بهرمند شده و بهره مند کرده است؟

اگر حس پلید حسادت در انسان شکل بگیرد از هر موقعیتی برای تخریب طرف های مقابل استفاده می کند انسان حسود حاضر نیست نعمت ها را در دست دیگران ببینند او می گوید دیگران نداشته باشند و فقط من داشته باشم. در حالی که اگر بگوید هم دیگران داشته باشند هم من، این صفت پسندیده ای هست و دیگر حسادت نیست.

با این صفت دیگر به دنبال بیرون آوردن نعمت ها از دست دیگران نیست بلکه به دنبال این است که خود نیز آن نعمت را کسب نماید.

در روایات ما حسادت به شدت مورد مذمت واقع شده و می فرماید: حسادت ایمان را از بین می برد همان طورکه چوب آتش را از بین می برد[[17]](#footnote-17).

حسود هرگز خيرخواهى و نصيحت نمى‏كند. حسود، اهل تواضع و تشكر نيست و هرگز به كمالات ديگران گواهى نمى‏دهد و قهراً مرتكب گناه كتمان حق مى‏شود.

آداب مهمانی

یکی از سنت های خوبی که می توان آن را در اردو انجام داد میهمانی رفتن به خوابگاه یکدیگر است. اهالی یک شهر به دیدن اهالی شهر دیگر بروند و با یکدیگر گفتگو نمایند.

میهمانی رفتن و میزبانی کردن ادابی دارد که خوب است به آن توجه شود.

رسول گرامى اسلام فرمود:

«مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْتَمْ شِىَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَريمِ كَإِلَى الْبابِ[[18]](#footnote-18)» از جمله حقوق مهمان اين است كه همراه او بر وى و تا درب منزلت او را بدرقه كنى.

از امام عسكرى عليه السلام نقل شده كه پدر و پسرى مهمان اميرمؤمنان عليه السلام شدند.

حضرت آن دو را در بالاى مجلس نشانيد و خود به احترام آن‏ها در برابرشان نشست و دستور داد غذا آوردند.

پس از صرف غذا قنبر طشت و آفتابه و حوله‏اى آورد تا دستشان را بشويد. امام عليه السلام از جا برخاست و آفتابه را از قنبر گرفت تا خود دست پدر را بشويد. مرد خود را به قدم امام افكنده عرض كرد: شماروى دست من آب بريزيد درحالى كه خدا مرا مى‏بيند؟

حضرت فرمود: «بنشين و دست خود را بشوى، خدا هم مى‏بيند كه برادرت كه با تو فرقى ندارد به تو خدمت مى‏كند.» مرد اطاعت كرد و نشست.

امام چنين ادامه داد:

«تو را به حقّ بزرگى كه بر گردنت دارم قسم مى‏دهم، چنان آرام بنشين و دست خود را بشوى كه گويى قنبر روى دستت آب مى‏ريزد.» پس از شستن دست او آفتابه را به فرزندش محمّد حنفيّه داد و فرمود: «فرزندم! اگر اين جوان تنها آمده بود، خودم روى دستش آب مى‏ريختم، ليكن خداوند دوست ندارد كه پدر و پسر وقتى در كنار هم هستند به يك اندازه احترام شوند.

اكنون كه پدر دست پدر را شست، تو هم دست پسر را بشوى».

محمد برخاست و دست پسر را شست.

آنگاه امام عسكرى عليه السلام افزود:

«فَمَنِ اتَّبَعَ عَلِيّاً عَلى‏ ذلِكَ فَهُوَ الشّيعِىُّ حَقّاً»

هركس (در تكريم و احترام مهمان) به اينگونه از على عليه السلام پيروى كند، شيعه حقيقى خواهد بود[[19]](#footnote-19).

تکریم کردن کسانی که به اردو آمدن نیز آدابی می خواهد که به عنوان میزبان باید به آن توجه کرد.

اتحاد

اتحاد و برادری آنقدر در دین اسلام مهم است که پيامبر بزرگ اسلام در ابتداى ورود به مدينه طى مراسم خاصّى ميان مسلمانان پيمان برادرى بست و خود نيز با اميرمؤمنان عليه‏السلام برادر شد و اين مراسم ويژه پس از نزول اين آيه شريفه بود؛ «انَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ اخَوَيْكُمْ[[20]](#footnote-20)» همانا مؤمنان با هم برادرند، پس ميان برادران خويش را اصلاح دهيد.

از محبتهاى غريزى و عاطفى كه بگذريم، دو عامل مى‏تواند انگيزه دوستى باشد: «خدا» و «دنيا» آنانكه انگيزه دوستى‏شان دنياست، نشانى از برادرى و محبّت درميانشان نيست؛ و این محبت و دوستی به سر انجام نخواهید رسید. گرچه جسمشان كنار هم است، امّا قلبها از هم جداست و هنگام سختى و نياز، به يارى هم نمى‏شتابند امّا آنانكه انگيزه الهى دارند، با رشته محبت خدايى به هم وصل شده‏اند، و قلبهايشان چنان پيوند خورده كه گويى يكى است و تنها براى خدا مى‏تپد و جدايى ميان آنان مفهومى ندارد، اگر چه از هم دور باشند. دوستان خدايى از دورى برادران دينى خود غمناكند، چرا كه جانهايشان به هم پيوند خورده است.

در اردو این مهم نیست که ما از کدام شهر کشور گرد هم آمده ایم آنچه مهم است این نکته می باشد که همه ما تحت یک هدف واحد که آن رسیدن به اهداف والای سپهر است گرد هم جمع شده ایم.

بیت المال

وسایلی که در اردو در اختیار ما گذاشته می شود همه از اموال عمومی مردم بوده که به آن بیت المال می گویند. همه مردم در مالکیت این اموال با هم شریک هستند و اگر ما در اثر غفلت و کم توجهی آسیبی به این اموال برسانیم مدیون همه مردم می شویم که یا باید جبران خسارت نماییم و یا از همه مردم بابت خسارت وارد عذر خواهی نماییم.

مهر و تسبیح و... وسایل داخل نماز خانه، ملحفه ها و وسایل خواب، پنکه و لوازم برقی داخل خوابگاه، وسایل داخل حمام و سرویس های بهداشتی همه و همه از بیت المال هستند که کوچک ترین بی توجهی ما و یا بازی کردن با آنها سبب زیر دین رفتن ما می شود و باید توجه داشت که حق الناس از جمله حقوقی است که خداوند از آن نمی گذرد تا اینکه صاحبان حق راضی شوند.

گذشته از بحث بیت المال باید توجه داشت وسایلی که در اردو به ما داده می شود، امانت در دست ما است و ما باید در حفظ و نگهداری آنها نهایت تلاش را داشته باشیم و این دغدغه را داشته باشیم تا امانت را به سلامت باز گردانیم.

امام باقرعليه‏السلام مى‏فرمايد:خداوند اجازه خیانت به امانتی که نزد انسان است نداده است حتی اگر آن فرد انسانی بدکار باشد[[21]](#footnote-21).

امير مؤمنان صلوات الله عليه مى‏فرمايد: از زشت ترين خيانتها، خيانت به امانت هاست[[22]](#footnote-22).

همچنین از امام سجاد عليه‏السلام است كه به شيعيان مى‏فرمود:

بر شما باد به اداى امانت، به خدا سوگند اگر قاتل پدرم حسين بن على عليه ‏السلام شمشيرى را كه با آن پدر مرا به قتل رسانده، نزد من امانت گذارد به او بر مى‏گردانم[[23]](#footnote-23).

حقوق استاد

مجلس درس ‏و تعليم، در اسلام از قداست خاصى برخوردار است. چنانكه نقل شده است، روزى پيامبر اكرم صلى ‏الله عليه و آله مشاهده كرد كه در مسجد دو مجلس تشكيل شده است. يكى مجلس علم كه در آن از معارف اسلامى بحث مى‏شود و ديگرى مجلس دعا كه در آن، خدا را مى‏خوانند.

حضرت فرمود: اين هر دو مجلس، خوب و مورد علاقه من است؛ آن گروه دعا مى‏كنند و اين گروه درس مى‏خوانند و درس مى‏گويند، ولى گروه علمى برتر وبالاتر از گروه دعا هستند. من نيز از طرف پروردگارم براى تعليم مردم، مبعوث شده‏ام. سپس پيامبر اكرم (ص) به گروه معلّمان و دانش آموزان پيوست و با آنان در مجلس علم نشست[[24]](#footnote-24).

امام زین العابدین رساله ای به نام حقوق دارد، که با توجه به این رساله ، در این جا به برخی از حقوقی که استاد بر گردن شاگرد دارد اشاره می کنیم:

✓ به سخنان استاد خوب گوش دهد و (با روى خوش) با او روبرو شود.

✓ صدايش را نزد معلم بلند نكند.

✓ اگركسى چيزى از معلم پرسيد، دانشجو پاسخ ندهد و فرصت دهد تا استاد پاسخ بگويد.

✓ در محضر معلم با هيچ كس سخن نگويد.

✓ نزد او از هيچ كس بدگويى نكند.

✓ اگر پيش دانشجو از استاد بدگويى شد، از او دفاع كند.

✓ عيب‏هايش را بپوشاند و خوبى‏هايش را بر ملا سازد.

✓ با دوستان معلم، دوست باشد و با دشمنانش، همنشينى نكند.

✓ نادیده گرفتن لغزش های احتمالی استاد.

در اين صورت فرشتگان الهى گواهى خواهندداد كه دانشجو به خاطر خداى بزرگ، نزد عالم رفته و دانش را براى خدا آموخته نه براى مردم[[25]](#footnote-25).

 ایثار

«ايثار» در لغت به معناى برگزيدن، ديگران را برخويش، مقدّم داشتن و مانند آنان است.

مقدم داشتن ديگران بر خود، هر چند به چيز اندك، در روايات اسلامى امرى پسنديده . شمرده شده است[[26]](#footnote-26).

كسى كه ديگران را به آسانى بر خود مقدم داشته و خود را براى آسايش ديگران به رنج مى‏اندازد، به برّ و خوبی رسیده است. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ[[27]](#footnote-27)»

عبدالله ابن جعفر شوهر حضرت زينب است. غلام سياهى را ديد كه در باغ كارگرى مى‏كند، وقتى كه آمد غذا بخورد ، سگى آمد و كنار او نشست. اين غلام يك لقمه به سگ داد ولى باز هم اين سگ اظهار گرسنگى كرد خلاصه اين غلام از غذايش چيزى نخورد و همه آن را به آن سگ داد. عبدالله ابن جعفر آدم پولدارى بود، چرا که تاجر بود و وضع مالى خوبى داشت. آمد و گفت كه چرا اين كار را كردى؟ گفت اين سگ از راه دورى آمده بود و من از دلم نيامد كه غذايم را خودم بخورم و گفتم كه بگذار اين سگ امروز سير شود. گفت خوب حالا خودت چه مى‏كنى؟ گفت: يك شب غذا نمى‏خوريم، يك وعده غذا نمى‏خوريم مگر چه مى‏شود؟ عبدالله از اين فتوّت و بزرگوارى جوان خيلى خوشش آمد و گفت تو چه كسى هستى؟ گفت من يك برده سياه هستم كه كارگرى مى‏كنم. رفت كل باغ را خريد و سندش را به نام اين غلام كرد[[28]](#footnote-28).

برخی از مصادیق ایثار در اردو

✓ اگر در اردو هنگام پخش غذا نوشیدنی کم آمد حاضر به انفاق نوشیدنی خود هستیم؟

✓ اگر از خانه خوراکی هایی با خودم به اردو آورده ام به تنهایی همه آنها را می خورم و یا هم اتاقی های خود را نیز در آن شریک می کنم؟

✓ اگر در صف غذا هستیم و کسی از من خواست که جای خود را به او بدهم قبول می کنم؟

✓ سر میز تنیس نیم ساعت در نوبت ایستاده ایم تا بازی کنیم دوستم از من درخواست کرد تا نوبت خود را به او بدهم قبول می کنم؟

✓ بعد از ظهر هنگامی میان وعده میوه را پخش می کردند برخی از بچه ها چون در حال بازی بودند دیر رسیدن و میوه به آنها نرسید، حاضرم میوه خود را با آنها تقسیم کنم؟

✓ آماده می شوم تا به کلاس بروم که ناگهان می بینم دوستم پتوی خود را جمع نکرده است حاضرم پتویش را فقط به خاطر خدا جمع کنم؟

✓ کسی در کنارم در حال خوردن آب میوه است اما با بی ادبی زباله هایش را روی چمن می ریزد و می رود حاضرم آنها را در سطل زباله بیندازم؟

صبر

خداوند سرشت دنیا را با بلا و مشکلات آفریده است و اگر کسی در برابر مشکلات صبر و پایداری نداشته باشد نصیبی جز شکست نخواهد داشت. عزت و پیروزی از آن کسانی است که در برابر مشکلات صبر و پایداری می نمودند.

هرگاه سخن از صبر به میان می آید حتما سختی و ناملایماتی در میان است که فرد می بایست آن را تحمل نماید در برخی از روایات دینی ما صبر را به سه دسته تقسیم نموده اند:

الصَّبْر ُثَلاثَةٌ ،الصَّبْرُ عَلَى الْمُصيبَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الطَّاعَةِ وَ الصَّبْرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ[[29]](#footnote-29) صبر بر مصيبت، صبر بر طاعت و صبر در برابر معصيت.

توضیح

1- صبر بر مصيبت: خداوند براى امتحان و پرورش مؤمن، گاهى كمبودهايى در زندگى او از قبيل: فقر، بيمارى، فقدان دوستان و آشنايان و ... پديد مى‏آورد، تا ضمن محك زدن بندگان خود، آنان را با صلابت محكم و مقاوم بار آورد. انسان بايد در مقابل اين گرفتارى‏ها، با پايبندى به دستورات دين، مقاوم و استوار ايستاده، با كمك خواستن از حق تعالى، در پى حل مشكلات برآيد.

2- صبر بر طاعت: هرگاه انسان قصد انجام عبادت يا كار خيرى دارد، نفس اماره همگام با شيطان سعى در بازداشتن انسان از انجام آن دارد، به خصوص در عبادت‏هايى مانند؛ جهاد و انفاق كه پاى جان و مال مطرح است. گاه نيز علاقه و دلبستگى به زن و فرزند و ساير تعلّقات‌زندگى، از جمله عواملى است كه ممكن است در صورت شكيبايى نكردن در برابر آنها، مسلمان را از مجاهده در راه خدا و اطاعت او بازدارد.

3- صبر در برابر معصيت: اكثر گناهان و محرماتى كه خداوند ممنوع ساخته، لذت‏آور و مورد كشش نفس انسان است. (البته براى پاسخ‏گويى به نيازهاى انسان راه‏هاى مشروعى قرارداده شده ولى نفس انسان به آنها بسنده نمى‏كند.) از اين رو، نفس با رغبت و اشتياق به طرف آنها مى‏رود.

انسان بايد در برابر اين اشتياق نفس به گناه، صبر و پايدارى نمايد و از خود مقاومت نشان دهد. داستان يوسف عليه السلام كه در قرآن ذكر شده، نمونه بارز صبر در مقابل معصيت است[[30]](#footnote-30).

نمونه هایی از صبر در اردو

✓ نماز جماعت صبح نمونه ای از صبر بر طاعت است.

✓ دوری از خانواده

✓ راضی بودن به تغذیه

✓ همکاری برای رعایت نظم و برنامه ها در اردو

✓ خویشتنداری در برابر عصبانیت و خشم

رعایت حقوق دیگران

حقوق دیگران مقدّم بر حقّ اللّه است. عظمت و اهميت مراعات حقوق مردم، تا آنجاست كه در سخن اميرمؤمنان صلوات اللّه عليه، مقدّم بر حق اللّه ‏شمرده شده است:

«جَعَلَ اللَّهُ سُبْحانَهُ حُقُوقَ عِبادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ؛ فَمَنْ قامَ بِحُقُوقِ عِبادِاللَّهِ كانَ ذلِكَ مُؤَدّياً الَى الْقِيامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ[[31]](#footnote-31)»

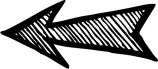
خداوند سبحان، حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خويش، قرارداده است؛ هر كس به [رعايت‏] حقوق بندگان خدا قيام كند، چنين كارى به رعايت حقوق الهى منجر مى‏گردد.

چگونگى اداى حقوق‏

بديهى است كه احقاق حق ديگران به موارد خاص يا افراد به خصوصى منحصر نمى‏شود، بلكه به طور عام و فراگير، هر ذى حقّى را شامل مى‏گردد؛ خُرد باشد يا كلان، غريبه باشد يا آشنا، مسلمان باشد يا نامسلمان، زن باشد يا مرد ... حتى در فرهنگ اسلام، حيوانات نيز حقوقى دارند كه رعايت آن بر مسلمانان، لازم است. واضح است كه هر گروهى، به تناسب ارتباطى كه با انسان دارد، از حقوق شايسته خويش برخوردار مى‏شود كه ممكن است با حقوق گروه ديگر تفاوت داشته باشد.

امام صادق عليه السلام می فرماید:

«تَرْكُالْحُقُوقِ مَذَلَّةٌ»پايمال كردن حقوق، سبب خوارى است‏.

مصادیقی از رعایت حق الناس در اردو

✓ هم اتاقی ما در رادو حقوقی را به گردن ما دارد مانند اینکه وقتی که او خواب است رعایت کنیم تا مزاحم خواب او نشویم، مثل آرام سخن گفتن، خاموش کردن چراغها، آرام باز و بسته کردن در و...

✓ دیگر اعضای شرکت کننده در اردو نیز به گردن ما حقوقی دارند مانند اینکه اگر دیر به کلاس برویم و استاد درس را دیرتر شروع کند حق دیگران ضایع می شود.

✓ اساتید و مسئولین اردو نیز حقوقی را به گردن ما دارند که قبلا تذکر داده شد.

✓ اگر در صف غذا هستیم رعایت حقوق دیگران را بنماییم و هیچ گاه جلو نزنیم.

1. - الکافی، 2/646 [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان [↑](#footnote-ref-2)
3. - همان 2/663 [↑](#footnote-ref-3)
4. - بحارالانوار، 16/296 [↑](#footnote-ref-4)
5. - کشف الغمه فی معرفه الائمه، 1/9 [↑](#footnote-ref-5)
6. - شرح غرر الحكم، 5/ 195 [↑](#footnote-ref-6)
7. - همان،183 [↑](#footnote-ref-7)
8. - همان،200 [↑](#footnote-ref-8)
9. - همان،24 [↑](#footnote-ref-9)
10. - تحف العقول، 302 [↑](#footnote-ref-10)
11. - نهج‏البلاغه، 1110 [↑](#footnote-ref-11)
12. - سفينةالبحار،ج 2،ص 469 [↑](#footnote-ref-12)
13. - شرح غررالحكم، 4/607 [↑](#footnote-ref-13)
14. - الكافى، 2/302 [↑](#footnote-ref-14)
15. - شرح غررالحكم، 4/ 24 [↑](#footnote-ref-15)
16. - بحارالانوار، 41/ 49 [↑](#footnote-ref-16)
17. - ارشاد القلوب 1/130 [↑](#footnote-ref-17)
18. - بحارالانوار، 75/ 451 [↑](#footnote-ref-18)
19. - بحارالانوار، 41/ 56 [↑](#footnote-ref-19)
20. -حجرات، 10 [↑](#footnote-ref-20)
21. - كافى، 2/ 85 [↑](#footnote-ref-21)
22. - شرحغررالحكم، 6/ 20 [↑](#footnote-ref-22)
23. - بحارالانوار، 75/ 114 [↑](#footnote-ref-23)
24. - بحارالانوار، 1/ 64؛ به نقل از کتاب اخلاق اسلامی3/144 [↑](#footnote-ref-24)
25. - بحارالانوار، 2/42؛ به نقل از کتاب اخلاق عملی [↑](#footnote-ref-25)
26. - وسائل الشيعه، 9/ 429 [↑](#footnote-ref-26)
27. - آل عمران 62 [↑](#footnote-ref-27)
28. - مجموعة ورام، ‏1/ 173 [↑](#footnote-ref-28)
29. - تحف‏العقول،146 [↑](#footnote-ref-29)
30. - يكصد درس زندگى از امام على(ع)، 97 [↑](#footnote-ref-30)
31. - شرح غررالحكم، 3 / 370 [↑](#footnote-ref-31)